

مباحث خارج اصول فقہ

استاد معظم

حضرت آیت اللہ حسینے گرگانے مؤظله العالی

«اجتماع امر و نہی»

شماره: ۲

تقديم امور

١. الأول: المراد بالواحد مطلق ما كان ذا وجهين ومندرجاً تحت عنوانين بأحدهما كان مورداً للأمر وبالآخر للنهي وان كان كلياً مقولاً على كثيرين كالصلاة في المغصوب.

المراد بالواحد هو ما تكون الوحدة وصفاً له لمتعلقه سواء كان كلياً أم جزئياً، مثلاً الصلوة في المغصوب كلي ينطبق على افراد كثيرين كصلاة زيد وعمرو وغيرهما، والجزئي كخصوص صلاة زيد في المغصوب، فمناطق صغرويته لمسئلة اجتماع الأمر والنهي هو كونه مصداقاً لعنوانين فلو لم يكن كذلك بان لا يتصادق عليه عنوانان كان خارجاً عن حريم البحث كالسجود لله تعالى الذي هو المأمور به، وللصنم الذي هو المنهي عنه لعدم تصادقهما على سجود خارجي لأنّ صدقهما عليه منوط باتحادهما وجوداً وذلك مفقود في المثال المذكور لتباينهما المانع عن هذا الاتحاد، والاتحاد بحسب المفهوم فقط كالسجود لا يجدي في مسئلة الاجتماع، بل المعتبر اتحادهما بحسب المصداق سواء اتّحدا مفهوماً أيضاً أم لا.

قيد مندرجاً تحت عنوانين، تعريض بصاحب الفصول حيث خص الواحد بالواحد الشخصي لتلا يدخل في محل البحث مثل السجود لله وللصنم مما اجتمع فيه الامر والنهي في واحد جنسي أو نوعي، مع أنّه جائز وخارج عنه قطعاً.

برای خروج مثل سجود، صاحب فصول فرموده‌اند: مراد از واحد، در محل بحث؛ واحد شخصی است و مثال مذکور، خارج از محل بحث است؛ چون تباین دارند.

وَأَمَّا ذَكَرَ هَذَا (يعني انّ قولنا: مطلق ما كان ذا وجهين ومندرجاً...) لإخراج ما اذا كان متعلقاً بالأمر والنهي متباينين وجوداً وان اتحداً مفهوماً كالسجود لله تعالى وللصنم لعدم اتحاد هذين المتعلقين وجوداً اصلاً.

واحد شخصی: مثل اینکه بگوئیم در زیدٌ واحدٌ، زید با ضمیمه خصوصیات فردیه اش تکثر ندارد.

واحد نوعی: مثل الانسان واحد، واحد به این معنی نیست که قابل صدق بر کثیرین نباشد بلکه مراد این است که انسان نوع واحدی در مقابل سایر انواع حیوانات است.

واحد جنسی: مثل اینکه گفته شود الحيوان واحد، حیوان جنس واحدی است که دارای انواع متعددی است.

لا لإخراج الواحد الجنسي أو النوعي كالحركة والسكون الكلين المعنويين بالصلاتية والغصبية.

فالواحد سواء كان شخصياً أم نوعياً أم جنسياً اذا صدق عليه عنوانان كليان تعلق باحدهما امر وبالآخر نهى يندرج في مسألة الاجتماع والأ فهو اجنبي عنها.

والحاصل أنّ ميزان صبغوية الواحد لمسئلة الاجتماع هو انطباق متعلق الامر والنهي عليه في الخارج من غير فرق في ذلك بين كون ذلك الواحد كلياً أو جزئياً.

اشكال مرحوم آقای فاضل لنکرانی بر مرحوم آقای آخوند رحمته: به نظر ما واحد شخصی نمی تواند داخل در عنوان بحث باشد بلکه باید مراد واحد نوعی یا جنسی باشد که کلیت دارند و صلاحیت انطباق بر کثیرین در آنها وجود دارد.

توضیح: مسئله اجتماع در جایی قابل طرح است که اگر یکی از امر یا نهی را داشته باشیم مشکلی بوجود نمی آید، و موجب بروز اشکال؛ اجتماع امر و نهی است. از طرف دیگر، متعلق اوامر و نواهی طبایع هستند. به آقای آخوند رحمته گفته می شود: معقول نیست واحد شخصی داخل در محل نزاع اجتماع امر و نهی باشد؛ چون در واحد

شخصی علاوه بر اینکه اجتماع محال است با توجه به متعلق اوامر و نواهی، شخصی نمی تواند باشند؛ چون به واحد شخصی تعلق نمی گیرند بلکه به طبایع تعلق می گیرند.

مراد از واحد در عنوان نزاع چیست؟

اگر واحد شخصی باشد، واحد جنسی خارج از محل بحث می شود **کالصلاة والغضب** چون واحد جنسی هستند که همان حرکت باشد، و دلیلی برای خروجش از محل نزاع نیست؛ چون همه قائلند محل بحث است. و اگر مراد از واحد؛ معنای عام باشد که شامل هر دو شود، داخل در محل نزاع است مثل **سجود لله تعالی وللصنم** چون تحت کلی سجود قرار دارند با اینکه محل نزاع نیستند.

جواب مرحوم آقای آخوند مراد از واحد؛ واحد در وجود است سواء كان واحد شخصی یا جنسی **کالصلاة والغضب المتحدین في الوجود**، پس **سجود لله تعالی وللصنم** خارج از بحث است؛ چون متعدد در وجود هستند گرچه اتحاد جنسی دارند.

اشکال: مراد از واحد در نزاع، امکان ندارد واحد در وجود باشد؛ چون امتناعی، بنای بحث را بر وحدت در وجود قرار داده، و قائل به جواز؛ بنا را بر تعدد قرار داده اند، چگونه امکان دارد واحد در وجود مراد باشد، چون این واحد موضوع نفی و اثبات و جواز و امتناع آن می باشد.

مرحوم آقای خوئی مراد از واحد در محل بحث؛ مقابل متعدد است نه مقابل کلی.

بیان ذلک: مجمع در مورد تصادق و اجتماع واحد است و متعدد نمی باشد تا اینکه مصداق مأمور به در خارج غیر از مصداق منهی عنه است اگر مراد احتمال دوم باشد بدون هیچ اشکالی از محل کلام خارج است.

گاهی از واحد، آنی که کلی نیست اراده می شود، گفته می شود واحد است و کلی که قابل انطباق بر کثیرین باشد، نمی باشد. و گاهی در مقابل متعدد است، مثلاً صلاة در ارض مغصوبه واحد است و متعدد نیست؛ یعنی در دار دو شیء نیست که یکی متعلق امر و دومی متعلق نهی باشد بلکه در خانه یک چیز بود و آن هم صلاة است

که مجمع متعلق امر و نهی بود، و مراد ما از مجمع هر دو واحد در مقابل متعدد است تا **ما ينطبق عليه الأمر** به غیر از آنی است که **منطبق منهي عنه** می‌باشد، پس مراد از واحد در مقابل کلی است که برخی توهم کرده‌اند.

واحد در مقابل کلی؛ یعنی این واحد، کلی قابل انطباق بر کثیرین نیست.

نسبت بین این دو واحد عموم و خصوص مطلق است؛ چون واحد به معنای اول اعم از دومی است، چون شامل واحد به شخص و واحد به نوع و واحد به جنس می‌باشد، ولی احتمال دوم فقط شامل اول است.

با توجه به آنچه گفته شد می‌گوییم مراد از واحد در محل بحث؛ همان واحد به معنای اول (واحد در مقابل متعدد) است نه دومی (واحد در مقابل کلی)، یعنی این حصّه از صلاّة در دار غصبی مجمع متعلق امر و نهی و مورد تصادق هر دو می‌باشد گرچه فی نفسه در خارج کلی قابل انطباق بر افراد کثیره می‌باشد و شامل افراد طولی و عرضی می‌شود؛ چون تقییدات موجب تضییق دایره انطباق طبیعت بر افراد خارجی نمی‌گردد.

نتیجه سخن: این حصّه دارای افراد مجمع متعلق امر و نهی و محل تصادق و اجتماع در مقابل آنی که این طوری نیست، می‌باشد؛ مثلاً مصداق مأمور به حصه‌ای جدا از مصداق منهي عنه می‌باشد و این افراد، هم افراد طولی و هم عرضی‌شان، متباین هستند.

بنابر این بیان؛ روشن گردید که مثل سجده، قتل و کذب و دیگر طبایع کلی متعلق امر از مصداق‌شان غیر از متعلق نهی می‌باشند، لذاست که از محل بحث خارج هستند. این طبایع گرچه واحد هستند بالنوع یا بالجنس الا اینکه مجمع متعلق امر و نهی با هم قرار نمی‌گیرند مثلاً **سجود لله تعالی** و **سجود للصنم** متباین هستند؛ چون آن حصه‌ای که متعلق امر است غیر از آن حصه‌ای است که متعلق نهی می‌باشد و چون تباین دارند در مورد واحد قابل اجتماع نیستند.

بدیهی است که طبیعی سجود بما هو مجمع امر و نهی نیستند تا داخل محل بحث شوند و هکذا قتل، امر تعلق گرفته به حصه‌ای بالخصوص و نهی به حصّه دیگر بالخصوص؛ مثل قتل کافر و قتل مؤمن، واضح است که

تصادق بر شیء واحد ندارند **ولا تجتمعان في محل فارد**، ولذا شیء واحدی که امر و نهی در آن جمع شوند وجود خارجی ندارد.

پس غرض از قید واحد؛ تحرّز از مثل این موارد است که جای توهم اجتماع امر و نهی در آنها نمی باشد، نه تحرّز از مطلق واحد نوعی یا جنسی.